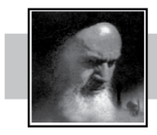

درمکتب امام

لازمه انقلاب، شهادت است

طبع یک انقلاب، فداکاری است. لازمه یک انقلاب، شهادت و مهیا بودن برای شهادت است. قربانی شدن و قربانی دادن در راه انقلاب و پیروزی آن اجتناب‌ناپذیر است، بویژه انقلابی که برای خداست و برای دین او، برای نجات مستضعفان است و برای قطع امید جهانخواران و مستکبران.

صحیفه امام؛ ج۱۶؛ ص۳۶۷ | پیام به ملت ایران؛ ۱۱ تیر ۱۳۶۱امضا

مقاله وارده

سرمایه اجتماعی، ولی‌نعمت حکمرانی

مقدمه

حتماً برایتان پیش آمده که در یک محله، اهالی برای حل یک مشکل کوچک مثل آب‌گرفتگی یا نظافت کوچه، به‌راحتی کنار هم جمع می‌شوند و کار را پیش می‌برند. در جای دیگر، دیده‌اید که حتی برای یک مسئله‌ی ساده، هیچ‌کس پا پیش نمی‌گذارد و همه منتظرند تا دیگری کاری کند. راز این تفاوت، در چیزی است که اسمش را «سرمایه اجتماعی» گذاشته‌ایم. این سرمایه، مثل چسبی نامرئی، اعضای یک جامعه را به هم پیوند می‌زند و به آن‌ها امکان می‌دهد تا برای رسیدن به اهداف مشترک، با هم همکاری کنند.

شاید برایتان جالب باشد که بدانید این سرمایه نامرئی، نه تنها در زندگی روزمره، بلکه در بزرگ‌ترین تصمیم‌های یک کشور، یعنی «حکمرانی» هم نقش اول را بازی می‌کند؛ تا جایی که می‌توان گفت سرمایه اجتماعی، ولی‌نعمت حکمرانی است. کشورهایی که از این سرمایه برخوردارند، حکمرانیِ روان‌تر و کارآمدتری دارند و برعکس، هر جا این سرمایه تقلیل رفته، فساد، بی‌اعتمادی و هزینه‌های سرسام‌آورِ اجرائی جای آن را گرفته است.

*** حکمرانی خوب یعنی چه؟**

حکمرانی خوب، یعنی دولتی که شفاف باشد، پاسخگو باشد، به قانون احترام بگذارد، با فساد مبارزه کند و مردم را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دهد. این مؤلفه‌ها، بی‌تردید در بستری از وفور سرمایه اجتماعی رشد می‌کنند. یعنی اگر سرمایه اجتماعی نباشد، شفافیت، پاسخگویی و مشارکت هم ممکن نیست.

*** اعتماد؛ رکن اصلی سرمایه اجتماعی**

در میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد از همه مهم‌تر است. اعتماد یعنی «انتظار مثبتِ مردم از رفتار دیگران و نهادها». این انتظار مثبت، ریسک همکاری را کاهش می‌دهد و مردم را به مشارکت ترغیب می‌کند. اعتماد در سه سطح معنا پیدا می‌کند: اعتماد درون‌گروهی (میان اعضای یک خانواده، قوم یا گروه همفکر)، اعتماد بین‌گروهی (میان گروه‌های مختلف جامعه) و اعتماد نهادی (اعتماد به دولت، قوه قضائیه، رسانه‌ها و نهادهای رسمی).

*** اقتصاد بدون اعتماد، اقتصادیِ پر هزینه**

حتماً برایتان پیش آمده که در یک معامله یا همکاریِ اقتصادی، به خاطر بی‌اعتمادیِ طرف مقابل، مجبور شده‌اید کلی وقت و هزینه صرفِ نظارت و کنترل کنید. این دقیقاً همان جایی است که سرمایه اجتماعی خودش را نشان می‌دهد. وقتی مردم به هم و به نهادهای اقتصادی اعتماد داشته باشند، هزینه‌ها پایین می‌آید، معامله‌ها روان‌تر می‌شود و تولید رونق می‌گیرد.

*** نهادهای کارآمد، ستون فقرات اقتصادِ پایدار**

کیفیت نهادها، یکی دیگر از ارکانِ حکمرانی اقتصادی است. نهادهای کارآمد، یعنی دستگاه‌هایی که قوانین را درست اجرا می‌کنند، از حقوق مالکیت حمایت می‌کنند و فرصت‌های برابر برای مشارکت اقتصادی فراهم می‌آورند. وقتی نهادها قوی باشند، سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد، ریسک کاهش می‌یابد و اقتصاد به سمتِ رشدِ پایدار حرکت می‌کند.

*** شفافیت؛ کلیدِ طلاییِ اقتصادِ سالم**

شفافیت یعنی دسترسیِ آزاد و بموقعِ مردم به اطلاعاتِ مربوط به تصمیم‌گیری‌ها و عملکردِ دولت. وقتی بودجه کشور شفاف باشد، وقتی قراردادهای دولتی در معرضِ نظارتِ عمومی باشد، وقتی اطلاعاتِ مالیِ نهادها در دسترس باشد، فساد کاهش می‌یابد و اعتمادِ عمومی افزایش پیدا می‌کند. شفافیت، هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد، انضباط مالی را تقویت می‌کند و بستری امن برای سرمایه‌گذاری فراهم می‌آورد. در ایرانِ امروز، یکی از نیازهای اساسیِ اقتصاد، شفاف‌سازیِ فرآیندهای اقتصادی است.

*** راهکارهای عملی برای تقویت سرمایه اجتماعی**

۱- افزایش شفافیت. یعنی مردم بدانند در کشور چه می‌گذرد؛ یعنی اطلاعاتِ مربوط به تصمیم‌گیری‌ها، بودجه‌ها و عملکردِ دولت، در دسترسِ عموم باشد. وقتی مردم از جزئیاتِ تصمیم‌ها و هزینه‌ها مطلع باشند، می‌توانند نظارت کنند و مسئولان به نوعی پاسخگو شوند. شفافیت، فساد را کاهش می‌دهد و اعتماد را افزایش می‌دهد. در ایرانِ امروز، یکی از نیازهای اساسی، شفاف‌سازیِ فرآیندهای اداری و مالی است.

۲- مبارزه جدی با فساد. فساد بزرگ‌ترین دشمنِ سرمایه اجتماعی است. وقتی مردم ببینند که مسئولی از قدرت خود سوءاستفاده می‌کند، اعتمادشان از بین می‌رود. مبارزه با فساد، نیازمندِ اراده سیاسی، تقویتِ نهادهای نظارتی و حمایت از افشاگرانِ فساد است. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که مبارزه جدی با فساد، اولین گام برای بازسازیِ اعتمادِ عمومی است.

۳- تقویت نهادهای مدنی مثل تشکل‌ها، انجمن‌ها، احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد. وقتی این نهادها فعال و قدرتمند باشند، مردم می‌توانند صدای خود را به گوشِ مسئولان برسانند و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند. تقویتِ نهادهای مدنی، یعنی گسترشِ دموکراسیِ مشارکتی و افزایشِ سرمایه اجتماعی.

۴- تمرکززدایی و واگذاریِ امور به مردم. تمرکزِ بیش از حدِ قدرت در دستِ دولت، یکی از موانعِ اصلیِ توسعه و تقویتِ سرمایه اجتماعی است. واگذاریِ بسیاری از امور به مردم، شوراها و نهادهای محلی، نه تنها باعثِ کاهشِ هزینه‌ها می‌شود، بلکه مشارکتِ مردمی را افزایش می‌دهد و حسِ مسئولیت را در مردم تقویت می‌کند.

۵- استقلالِ رسانه ملی و نقشِ آن در اعتمادسازی. رسانه ملی، اگر مستقل و آزاد باشد، می‌تواند نقشِ مؤثری در شفاف‌سازی، نقدِ منصفانه و افشایِ فساد داشته باشد. رسانه مستقل، مثل چراغی در تاریکی، مسیرِ درست را نشان می‌دهد و به مردم کمک می‌کند تا تصمیماتِ بهتری بگیرند.

۶- عدالتِ اقتصادی و رفعِ تبعیض. یکی از مهم‌ترین عواملِ تخریبِ سرمایه اجتماعی، نابرابریِ اقتصادی و تبعیض است. وقتی مردم احساس کنند که فرصت‌ها به طورِ عادلانه تقسیم نمی‌شود، اعتمادشان از بین می‌رود. اجرایِ سیاست‌هایِ عادلانه مالیاتی، حمایت از اقشارِ آسیب‌پذیر و ایجادِ فرصت‌هایِ برابرِ شغلی، از راهکارهایِ اساسی برای تقویتِ سرمایه اجتماعی است.

نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب، دو روی یک سکه‌اند. هر چه سرمایه اجتماعی قوی‌تر، حکمرانی کارآمدتر؛ و هر چه حکمرانی شفاف‌تر و پاسخ‌گوتر، سرمایه اجتماعی پایدارتر. این رابطه متقابل، کلیدِ توسعه و پیشرفتِ هر جامعه‌ای است. سرمایه اجتماعی ایران، سرمایه‌ای عظیم و کم‌نظیر است. تجمعات شبانه، تشییع میلیونی رهبر شهید، حضورِ گسترده در مراسم تشییع شهدا، همگی گواهِ این واقعیت‌اند که ملت ایران، در بزنگاه‌هایِ حساسِ تاریخی، همچنان با وحدت، همدلی و احساسِ مسئولیت در صحنه حضور دارند.

نظام‌های حکمرانی که پشتوانه ملی و مردمی داشته باشند، قدرتمندند و ایران از این سرمایه ارزشمند برخوردار است. این سرمایه، فرصتی بی‌نظیر برای پیشرفت و تعالی کشور فراهم آورده است. برای بهره‌برداریِ بهینه از این فرصت، همکاری و همدلیِ نظام حکمرانی با مردم، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. وظیفه نظام حکمرانی، پاسخگوییِ شایسته به این سرمایه عظیم است. شفافیت، مبارزه با فساد، تقویتِ مشارکتِ مردمی، توانمندسازیِ شهروندان، تمرکززدایی، استقلالِ رسانه و عدالتِ اقتصادی، هفت راهکاری هستند که می‌توانند این سرمایه را برای همیشه پویا و بالنده نگه دارند و آن را به پیشرفتِ ملموسِ اقتصادی و اجتماعی تبدیل کنند.

ملتی که در میدان‌ها حاضر است، در پای صندوق‌های رأی و در صحنه تولید نیز حاضر خواهد بود؛ این، همان سرمایه‌ای است که با همراهی و همگراییِ نظام حکمرانی و مردم، به اوجِ شکوفایی خود خواهد رسید.

اسرافیل بزارپور/ دکترای DBA

گزارش روز صد و چهل و یکم جنگ

شورای آتلانتیک: دست آمریکا خالی است باید تسلط ایران بر تنگه هرمز را بپذیرد

شروع هفته بیست و یکم جنگ -و هشتمین روز از دور جدید درگیری‌ها- با عملیات طوفانی ایران علیه پایگاه آمریکا و تلفات‌گیری از تروریست‌های سنتکام همراه بود.

از زمان نقض تفاهم‌نامه توسط آمریکا و از سرگیری حملات به ایران، هشت روز می‌گذرد. آمریکا پس از حمله به تأسیسات راداری و پدافندی در برخی جزایر، بنادر و شهرهای جنوبی ایران، به برخی زیر ساخت‌ها مانند پل و راه آهن و جاده و آب شیرین‌کن حمله کرد.

تروریست‌های آمریکا زیر ضرب ایران

در مقابل، ایران مجدداً عبور از کانال جعلی آمریکایی در تنگه هرمز را ممنوع اعلام کرد و کشتی‌های متخلف را نواخت. تردد از سمت عمان کاملاً متوقف شده و تردد از کریدور شمالی، با سختگیری و نظارت ایران انجام می‌شود.

از طرف دیگر، ایران در حال تشدید و تصاعد حملات خود علیه مقرّها و مخفیگاه‌های نظامیان تروریست آمریکا در منطقه، از کردستان عراق و سوریه و اردن، تا کویت و بحرین و عربستان و امارات (و عمان و قطر) است. حملات دو روز اخیر ایران، در وسعت و شدت، بی‌سابقه و غیر قابل مقایسه با روزهای قبل است. خبرها از تلفات سنگین نیروهای آمریکایی و در عین حال، دستور مطلق سانسور حکایت می‌کند. صدای ممتد اورژانس هوائی و زمینی در اطراف برخی تأسیسات و پایگاه‌ها، فاش می‌کند که ضربات سنگینی به نیروهای پنتاگون وارد شده است. ضربات تصاعدی ایران نشان می‌دهد که حملات آمریکا، کمترین تاثیری در قدرت عملیاتی و حجم آتش تهیه ایران بر سر نیروها و پایگاه‌های بی‌دفاع پنتاگون نداشته است.

کلکسیون شکست‌های ترامپ کامل می‌شود

از طرف دیگر، مقاومت یمن در حال گرم کردن خود، گشودن جبهه جدید و ایراد فشار نظامی- اقتصادی در کرانه باب‌المندب و دریای سرخ است. شمال آفریقا، مُشرف به این منطقه هم آبستن اتفاقاتی ناخوشایند برای آمریکاست.

پنتاگون به وضوح در حال تحمل تحقیر و سرشکستگی دیگری است و شاید کلکسیون شکست، در روزهای آتی با سرنگونی برخی هواپیماها یا هدف‌گیری ناوهای پنتاگون در منطقه کامل شود. پس از هشت روز زد و خورد، نه دولت و نه وزارت جنگ آمریکا، قادر نیستند توضیح قانع‌کننده‌ای درباره اینکه هدف یا عایدی‌شان از بازگشت به جنگ چه بوده و چه تغییر در موازنه موجود ایجاد شده، ارائه کنند.

ترامپ نه تنها به اهداف اولیه جنگ دست نیافته، بلکه به شکلی تحقیرآمیز، تنگه راهبردی هرمز و حیثیت آمریکا را هم یک‌جا باخته است.

ترامپ باید حاکمیت ایران بر تنگه را بپذیرد

قیمت نفت در اثر درگیری‌های جدید در منطقه از ۸۸ دلار در هر بشکه فراتر رفت. همزمان، انجمن خودروی آمریکا اعلام کرد که قیمت بنزین همچنان در حال افزایش است و قیمت هر گالن آن نزدیک به چهار دلار شده است. مالکوم نانس، کارشناس مسائل ضدتروریسم و تحلیلگر امنیت ملی آمریکا درباره وضعیت تنگه هرمز گفته است: هر روزی که تنگه بسته می‌ماند، اقتصاد نفتی آمریکا و اقتصاد جهانی را به فروپاشی نزدیک‌تر می‌کند. تمام موضوع همین است و دیگر کاری از دست ترامپ برنمی‌آید. نمی‌تواند تفنگداران دریایی را آنجا پیاده کند، درست است؟ نمی‌تواند جزایر را تصرف کند. نمی‌تواند آن بخش از ایران را مالک شود. فقط باید با این واقعیت کنار بیاید.

حملات کوبنده ایران زیر ذره‌بین رسانه‌ها

حملات کوبنده ایران و تلفات سنگین آمریکا، زیر ذره‌بین رسانه‌ها و تحلیلگران قرار گرفته است. در حالی که تصاویر منتشر شده از حملات ایران به پایگاه‌های آمریکا در کویت، بحرین، اردن و اربیل نشان می‌دهد این سامانه‌ها برای مقابله با موشک‌های ایران دیوانه‌وار موشک رهگیر شلیک می‌کنند، اما نرخ اصابت موفق موشک‌های ایران به شدت افزایش یافته و عملاً پایگاه‌های آمریکا در منطقه، در برابر موشک‌های ایرانی بی‌دفاع شده‌اند.

خبرنگار شبکه الجزیره از وارد آمدن خسارت سنگین به زیرساخت‌های نظامی آمریکا در منطقه خبر داد و گفت سامانه‌های چندلایه دفاع هوائی آمریکا نتوانسته‌اند حملات تلافی‌جویانه ایران را مهار کنند.

شبکه خبری فاکس‌نیوز نزدیک به دولت ترامپ هم در عین سانسور شدید تلفات، گفت: از آغاز حملات ایران به پایگاه‌های آمریکا در کویت، بحرین و اردن، دست‌کم ۱۳ نظامی آمریکایی مجروح شده‌اند. طی روزهای اخیر دست‌کم سه پرواز برای انتقال مجروحان آمریکایی از منطقه انجام شده است.

شکار نظامیان آمریکا در سوریه

روزنامه لبنانی البناء به نقل از کارشناسان نظامی، به بررسی پیام‌های حملات ایران به پایگاه التنف در مرز سوریه و عراق پرداخت و نوشت: اولین پیام این عملیات ایران به طرف‌هایی است که قصد دارند سوریه را به سکویی برای ورود به هر تقابلی با حزب‌الله تبدیل کنند. حمله ایران به پایگاه التنف مرزهای روشنی برای هرگونه بحث درباره ایفای نقش نظامی رژیم ابومحمد جولانی علیه حزب‌الله ترسیم می‌کند.

پیام دوم نیز خطاب به اردن است و به این مضمون اشاره دارد که اگر دامنه جنگ گسترش یابد، تمامی پایگاه‌های نظامی آمریکا به بخشی از میدان نبرد تبدیل خواهند شد. سومین و مهم‌ترین پیام این حمله متوجه آمریکاست؛ به این معنا که در صورت ادامه تجاوزگری این کشور علیه ایران، دامنه جنگ از منطقه خلیج‌فارس فراتر رفته و به سراسر حوزه استقرار نیروهای آمریکایی در منطقه کشیده خواهد شد.

مجروحیت ۴۰۰ نظامی آمریکا، آمار تلفات سرّی است!

روزنامه هیل متعلق به کنگره آمریکا در گزارشی خاطر نشان کرد: حملات ایران به حداقل دو پایگاه نظامی در اردن در هفته جاری، منجر به مجروح شدن تعدادی از نیروهای آمریکایی شده است. شمار مجروحان آمریکایی در این درگیری‌ها از مرز ۴۰۰ نفر عبور کرده است.

تحقیقات شبکه CNN هم شواهدی از ویرانی کم‌سابقه را آشکار کرده است. یکی از منابع آمریکایی آگاه از وضعیت به ما گفت: تاکنون هرگز چنین سطحی از خسارت را در پایگاه‌های نظامی آمریکا مشاهده نکرده بود. این حملات بسیار سریع، دقیق و با استفاده از فناوری‌های پیشرفته انجام شده‌اند. توان ایران در شناسایی اهداف خود هرگز تا این اندازه بالا نبوده است.

همچنین، شبکه CBS به نقل از چند مقام آمریکایی گزارش داد که در حملات ایران به پایگاه‌های نظامی در اردن طی هفته جاری، شماری از نظامیان آمریکایی زخمی شده‌اند. این منابع تعداد مجروحان و وضعیت جسمانی آن‌ها را اعلام نکردند. جنگنده‌های ایالات متحده به‌طور معمول از تأسیسات نظامی در اردن استفاده می‌کنند.

شب سخت کویت به تلافی میزبانی تروریست‌ها

در همین حال، خبرگزاری رویترز هم گزارش داد که کویت یکی از بدترین شب‌های خود را از زمان آغاز درگیری‌ها در خاورمیانه، در پی حملات تلافی‌جویانه ایران سپری کرده است. در این حملات، دومین نیروگاه تولید برق در کویت طی دو روز گذشته هدف قرار گرفته و حریم هوائی این کشور نیز بسته شده است. کویت پترولیوم اعلام کرد: یک سایت نفتی حیاتی صبح امروز مورد حملات مکرر ایران قرار گرفت.

دنیس سیترونوویچ رئیس سابق میز ایران در اطلاعات نظامی اسرائیل، درمورد حمله ایران به کویت نوشت: این، نشانه دیگری از آن است که چگونه ادامه تشدید نظامی، جلوگیری از وقوع یک درگیری گسترده‌تر منطقه‌ای را هرچه دشوارتر می‌کند. هر تشدید تنش از سوی آمریکا با یک تشدید تنش از سوی ایران پاسخ داده می‌شود؛ زیرا هر دو طرف با هر تبادل حمله، تلاش می‌کنند آستانه‌های جدید بازدارندگی را تثبیت کنند. به همین دلیل، این فرض که یک کارزار نظامی گسترده‌تر، ایران را مجبور خواهد کرد در موضعی ضعیف‌تر به میز مذاکره بازگردد، به‌هیچ‌وجه تضمین‌شده نیست.

واشنگتن پست در یادداشتی خاطر نشان کرد حملات همچنان از الگوی «چشم در برابر چشم» پیروی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که حمله به زیرساخت‌ها نشان‌دهنده تشدید تنش است، اما هنوز به معنای بازگشت به «جنگ تمام‌عیار» نیست. حمله به تأسیسات آب‌شیرین‌کن کویت از این جهت بسیار مهم است که کویت بیش از ۹۰ درصد به آب شیرین‌شده وابسته است.

از طرف ایران، آنها در حال ایجاد سطح بالایی از ترس در میان کشورهای خلیج‌فارس هستند. آنها می‌خواهند این پیام را منتقل کنند که تشدید تنش از سوی آمریکا برای کشورهای خلیج‌فارس خطرناک است؛ بنابراین این کشورها باید به متحد خود (آمریکا) بگویند که حملات را متوقف کند.

قدرت قاهره ایران در تنگه هرمز

دیمیتری کورنف، کارشناس نظامی، با اشاره به توانمندی‌های نظامی ایران در تنگه هرمز گفت: تعداد و ترکیب دقیق نیروهای ایرانی در این منطقه مشخص نیست. ایران از سامانه‌های موشکی ساحلی متحرک ضدکشتی برخوردار است که می‌توانند تقریباً کل تنگه را پوشش دهند. موشک‌های بالستیک با کلاهک‌های هدایت‌شونده ایران توانایی هدف قرار دادن اهداف در برد ۱۵۰ تا ۳۰۰ کیلومتر را دارند. پهپادهای شناسایی این کشور نیز می‌توانند اطلاعات لازم برای هدف‌گیری این موشک‌ها را فراهم کنند.

این تحلیلگر نظامی ادامه داد: ایران ممکن است از پهپادهای انتحاری نوع شاهد مجهز به سامانه‌های الکترواپتیکی و ارتباطات فوری نیز استفاده کند. همچنین گزینه مین‌گذاری تنگه هرمز می‌تواند برای بستن کامل مسیر تنگه به کار گرفته شود. بعید است آمریکا ریسک استقرار ناوشکن‌های خود در نزدیکی سواحل ایران را بپذیرد، زیرا این شناورها در محدوده برد موشک‌ها و پهپادهای دفاعی قرار خواهند گرفت و توانایی واشنگتن برای مقابله با ایران بسیار محدود خواهد بود.

ینبع عربستان زیر ضرب و معنای آن

روری جانستون، بنیانگذار خبرنامه تحلیلی «کامودیتی کانتکست» با اشاره به حملات به عمق عربستان نوشت: حملات به ینبع سعودی، اتفاق بسیار مهمی خواهد بود، زیرا این بندر، بندر کلیدی بارگیری نفت در دریای سرخ است که در انتهای خط لوله حیاتی شرق-غرب عربستان قرار دارد؛ خط لوله‌ای که به پادشاهی سعودی امکان داده بخش عمده‌ای از نفت صادراتی خود را از مسیر دیگری و دور از تنگه هرمز منتقل کند. اگر حمله‌ای رخ داده باشد، پرسش این است که چه چیزی هدف قرار گرفته است؛ تأسیسات مرتبط با نفت؟ زیرساخت‌های خط لوله؟ یا تأسیسات بارگیری نفت؟ عامل حمله چه کسی بوده است؟ اگر ایران باشد، نشان‌دهنده برد عملیاتی بسیار قابل توجهی خواهد بود. اگر حوثی‌ها باشند، به معنای ورود یک بازیگر جدید - دست‌کم در چنین سطحی - به درگیری است و خطر بسته شدن تنگه باب‌المندب افزایش می‌یابد.»

هیچ‌کسی مثل ایران به آمریکا ضربه نزده بود

آلون میزراحی تحلیلگر امنیتی اسرائیل می‌گوید تاکنون هیچ‌کس مثل ایران به آمریکا ضربه نزده است: عملکرد نظامی ایران در برابر نیروهای آمریکایی، فراتر از تمام معادلات تاریخی است. هیچ ارتشی در تاریخ، از ویتنام به این سو، نتوانسته چنین ضربات دقیق و کارآمدی به واشنگتن وارد کند. نیروهای آمریکایی حتی نمی‌دانند رویارویی با یک ارتش واقعی و کاربلد یعنی چه و حالا دارند نابود می‌شوند. تک‌تک مواضع آمریکا در غرب آسیا شناسایی شده، هر پایگاهی هدف قرار گرفته و همه تأسیساتشان زیر نظر است. سبک نبرد ایران، ترکیبی از فناوری مدرن یک ابرقدرت و روحیه یک نیروی نظامی مقدس، اسلامی و بومی است. این، نمایشی دیوانه‌وار است. ایران دارد پایگاه‌های آمریکا را در سراسر غرب آسیا زیر ضربات سنگین قرار می‌دهد. تنها چیزی که باعث تأسفم می‌شود این است که لیندسی گراهام نمی‌تواند این صحنه را ببیند.

ایران، با خونسردی و اعتماد به نفس ضربه می‌زند

وی می‌افزاید: اینکه ایران هنوز باب‌المندب را نبسته، نشان می‌دهد که ایران همچنان اوضاع را تحت کنترل می‌بیند و تاکنون از اقدامات نظامی آمریکا دچار نگرانی یا دستپاچگی نشده و همان‌طور که طی چند سال گذشته بارها تأکید کرده‌ام، توان واقعی نظامی ایران حدود ۵۰ برابر چیزی است که تاکنون دیده‌ایم. ایران هنوز فقط از بخش کوچکی از ظرفیت‌های خود استفاده کرده. به اعتقاد من، آنها می‌توانند هر نیروی نیابتی غربی را در منطقه در عرض یک هفته از بین ببرند و با این حال، همچنان بخش بزرگی از توان نظامی خود را حفظ کنند. آمریکای احمق و برده‌های عربش هنوز این را نفهمیده‌اند، اما زمان‌شان رو به پایان است.

کارلسون و تحقیر پیاپی پنتاگون

تاکر کارلسون حامی سابق ترامپ هم اظهار کرد: ادعاهای آمریکا درباره قدرت نظامی‌اش، کاملاً پوشالی از آب درآمده است؛ تحقیر مداوم ایالات متحده، چشم جهانیان را به واقعیت باز کرده؛ ارتش ما با بودجه ۱.۵ تریلیون دلاری حتی نمی‌تواند یک تنگه را باز نگه دارد. به عنوان یک اصل فیزیکی، بازتاب ترورهایی که در جهان انجام می‌دهیم، به زودی به داخل خاک آمریکا بازخواهد گشت؛ هیچ مصونیتی برای ما وجود ندارد.

همچنین برت اریکسون، تحلیلگر آمریکایی اذعان کرد: ایران در طول این جنگ، خویشتنداری باورنکردنی از خود نشان داده. آنها به وضوح نشان داده‌اند که می‌توانند اهدافی در کشورهای دیگر، از جمله مواردی که به‌شدت توسط تجهیزات نظامی آمریکا محافظت می‌شوند را هدف قرار دهند. اما با این حال، تا حد زیادی از انجام اقدامات فلج‌کننده‌ای که قادر به انجام آن هستند، خودداری کرده‌اند. این وضعیت می‌تواند در یک چشم بر هم زدن تغییر کند. حملات مرحله به مرحله سخت‌تر خواهد شد وای اگر مرحله آخر یعنی حکم جهاد جهانی بر علیه این دو جنایتکار (ترامپ و نتانیاهو)، صادر شود. آنگاه دیگر هیچ‌جا، سنگ روی سنگ بند نخواهد بود!

سناتور مورفی و ماجرای ورشکستگی آمریکا

از طرف دیگر، سناتور کریس مورفی، در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان تأکید کرد: تشدید تنش‌ها با ایران تنها به منظور بازگشت به وضعیت پیش از جنگ، فاجعه‌ای بزرگ است. این رویکرد می‌تواند به ورشکستگی آمریکایی‌ها منجر شود، اعتبار جهانی کشور را آسیب‌پذیرتر کند، جان هزاران نفر را به خطر بیندازد و ذخایر مهمات را به سطح خطرناکی برساند.

وی گفت: هیچ سندی وجود ندارد که ثابت کند تشدید تنش‌ها، ایران را دوباره به میز مذاکره بازخواهد گرداند. پرسش این است که هدف از این کار چیست؟ در حال حاضر، هدف اصلی این جنگ صرفاً بازگشایی دوباره تنگه هرمز است. در حالی که پیش از آغاز جنگ، تنگه باز بود. با این حال، به نظر می‌رسد ترامپ حاضر است برای رسیدن به این هدف، تقریباً هر هزینه‌ای را بپردازد؛ حتی لغو همه تحریم‌های نفتی علیه ایران. در این مقطع، به نظر می‌رسد هدف از تشدید تنش‌ها نه توقف برنامه هسته‌ای ایران یا نابودی توان موشکی آن، بلکه صرفاً بازگشت به همان وضعیتی است که پیش از آغاز جنگ وجود داشت؛ وضعیتی که خود یک فاجعه بود.

اسطوره قدرت مطلق آمریکا نابود شد

گادی آیزنکوت رقیب اصلی نتانیاهو می‌گوید: آرزوی من هم سرنگونی جمهوری اسلامی است، اما احمقانه بود که نتانیاهو و ترامپ با مسلح کردن و اعزام کُردها به شهرهای ایران قصد داشتند به این هدف دست یابند. ایران کشوری هشتاد برابر اسرائیل است و حدود ۹۲ میلیون نفر جمعیت دارد. هرکسی که معتقد بود رژیم ایران را می‌توان با نیروی نظامی جایگزین کرد، از واقعیت جدا بود، با تاریخ و خود ایران ناآشنا بود. البته من آرزو داشتم که آن رژیم از بین برود. اما این باور که می‌توان آن را با نصب یک نفر یا با چند هزار مبارز کرد جایگزین کرد، کاملاً غیر واقعی است.

میشل یاکولوف ژنرال بازنشسته فرانسوی هم گفت: می‌خواهید حرف من درباره پیروزی ایران را باور کنید یا نکنید اما یک چیز تغییر نمی‌کند، اسطوره قدرت مطلق آمریکا نابود شده و ایران برای ۳۰ سال آینده اشتهای رؤسای جمهور ایالات متحده جهت لشکرکشی فرامرزی را کور کرد.

راهی جز قبول تسلط ایران بر تنگه هرمز نیست

کارشناسان مرکز انرژی اندیشکده شورای آتلانتیک در گزارشی خاطر نشان کردند که آمریکا باید تسلط ایران بر تنگه هرمز را بپذیرد: راهی وجود ندارد؛ باید تسلط ایران بر تنگه هرمز را پذیرفت. دست آمریکا برای دگرگون کردن شرایط میدان نبرد به نفع خود، خالی است. بازارهای نفت و مصرف‌کنندگان باید خود را برای احتمال تحقق بدترین سناریوها آماده کنند و بپذیرند که دیگر چیزی به نام وضعیت «عادی» شکل نخواهد گرفت. پس از شکست راهبرد اولیه ترور رهبر و فرماندهان ایران، کاخ سفید به دومین گزینه در جعبه ابزار خود روی آورد؛ «استفاده از مذاکره برای خروج از بحران انرژی در جهان». ترامپ گمان می‌کرد با استفاده از یک یادداشت تفاهم و دادن امتیازاتی روی کاغذ می‌تواند ایران را از تسلط بر تنگه هرمز منصرف کند اما این یک اشتباه محاسباتی بود و ایران از تسلط بر تنگه هرمز عقب نکشید. ذخایر راهبردی آمریکا و دیگر کشورهای جهان، پیوسته کاهش می‌یابند و دیر یا زود، واقعیت مربوط به میزان فیزیکی عرضه موجود در بازار دیگر قابل‌چشم‌پوشی نخواهد بود.

ایرانیان هرگز فرار نمی‌کنند

«مایکل شوئر»، افسر سابق سازمان سیا اظهار داشت: ایرانیان هرگز فرار نمی‌کنند و در طول نزدیک به سه هزار سال تاریخ، دشمنانی به مراتب جدی‌تر از آمریکا را شکست داده‌اند. باید به یاد داشته باشیم که ما از سال ۱۹۴۵ تاکنون در هیچ جنگی پیروز نشده‌ایم. حتی مطمئن نیستم از سال ۱۹۴۵ به بعد وارد جنگی شده باشیم که ارزش جنگیدن را داشته باشد. اما در مورد ایران، مشکل در نخواندن کتاب‌های تاریخ است. هیچ‌وقت به کتاب‌های تاریخ رجوع نشده و در دانشگاه‌های ما نیز تقریباً هیچ‌کس این کار را نمی‌کند.

شوئر افزود: هیچ‌کس نیست که بتواند درباره تاریخ ایران توضیح دهد که ویژگی این ملت در مواجهه با سختی‌ها و چالش‌ها چیست. این همان مشکلی است که ما در افغانستان، عراق و ویتنام داشتیم.

اذعان سی‌ان‌ان به حفظ ساختار حکومتی و نظامی ایران بعد از جنگ

تحلیلگر سی‌ان‌ان در یادداشتی با انتقاد از سیاست‌های دونالد ترامپ در قبال ایران نوشت رئیس‌جمهور آمریکا با توسل مکرر به تهدید نظامی و از بین بردن آتش‌بس، واشنگتن را در مسیر یک «جنگ ابدی» دیگر قرار داده است.

«نیک پیتون والش»، تحلیلگر ارشد امور بین‌الملل سی‌ان‌ان در یادداشتی نوشت ترامپ که زمانی خود را سیاستمداری مخالف جنگ و حتی شایسته دریافت جایزه صلح نوبل معرفی می‌کرد، اکنون استفاده از قدرت نظامی را به ابزاری عادی برای اعمال فشار بر ایران تبدیل کرده است. به اعتقاد او، تهدیدهای مکرر ترامپ درباره حملات «ویرانگر» علیه ایران، به جای آنکه آخرین گزینه باشد، به بخشی از ادبیات روزمره کاخ سفید تبدیل شده است.

به گزارش سی‌ان‌ان، سیاست‌های دونالد ترامپ در قبال ایران، بیش از آنکه به پایان دادن به درگیری‌ها منجر شود، آمریکا را به سمت جنگی فرسایشی و بی‌پایان سوق داده است؛ جنگی که نویسنده از آن با عنوان «نسخه سبک جنگ ابدی» یاد می‌کند.

در این تحلیل آمده است که فروپاشی تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا و از بین رفتن آتش‌بس تنگه هرمز، بیش از هر چیز نتیجه بی‌توجهی دولت ترامپ به جزئیات توافق و فقدان یک راهبرد روشن برای دوران پس از آغاز درگیری بوده است. نویسنده معتقد است رئیس‌جمهور آمریکا بدون برنامه‌ای مشخص برای آینده، وارد تقابل نظامی با ایران شده است.

سی‌ان‌ان همچنین می‌نویسد ترامپ آشکارا از حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی ایران، از جمله پل‌ها و نیروگاه‌ها، سخن گفته است؛ موضوعی که از دید بسیاری از حقوقدانان بین‌المللی می‌تواند مغایر حقوق بشردوستانه و قوانین جنگ باشد. نویسنده تأکید می‌کند در حالی که غرب حملات مشابه روسیه به زیرساخت‌های اوکراین را محکوم می‌کند، چنین اظهاراتی از سوی رئیس‌جمهور آمریکا نیز پرسش‌های جدی درباره پایبندی واشنگتن به همان استانداردها ایجاد کرده است.

در ادامه این تحلیل آمده است که آمریکا در سال‌های گذشته همواره تلاش می‌کرد استفاده از نیروی نظامی را آخرین راه‌حل معرفی کند، اما دولت دوم ترامپ از این رویکرد فاصله گرفته و تهدید به استفاده از زور را به بخشی از ابزارهای معمول سیاست خارجی خود تبدیل کرده است.

این گزارش همچنین مدعی است توافق آتش‌بس میان تهران و واشنگتن از ابتدا دارای ابهام‌های فراوان بود؛ به‌گونه‌ای که هر دو طرف برداشت متفاوتی از تعهدات خود داشتند. از نگاه نویسنده، همین ابهام‌ها باعث شد توافق به سرعت با شکست روبه‌رو شود و دو طرف بار دیگر وارد چرخه حملات و ضدحملات شوند.

تحلیلگر سی‌ان‌ان با اشاره به تداوم حملات گسترده آمریکا علیه ایران می‌نویسد، با وجود هزاران حمله نظامی، ایران نه‌تنها از هم نپاشیده، بلکه توانسته ساختار حکومتی و نظامی خود را حفظ و بازسازی کند. در مقابل، به گفته نویسنده، آمریکا حتی در تأمین مجدد ذخایر مهمات خود نیز با دشواری‌هایی روبه‌رو شده است.

در بخش دیگری از این یادداشت آمده است که ایران صرفاً با دوام آوردن در برابر فشارهای نظامی، به نوعی به یک پیروزی راهبردی دست یافته است؛ زیرا نشان داده حتی بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان نیز در تحقق اهداف خود با محدودیت‌هایی مواجه است.

به گزارش فارس، سی‌ان‌ان همچنین دو عامل را مهم‌ترین محدودیت‌های دولت ترامپ برای ادامه جنگ برشمرده است؛ نخست افزایش بهای نفت که می‌تواند هزینه‌های اقتصادی سنگینی برای آمریکا به همراه داشته باشد و دوم، کاهش محبوبی